

۵ اصل مهم برای رسیدن به موفقیت

Michéal Levy
مترجم: ندا شفیعی

همه موفق بوده‌ام. پس دوباره به برنامه‌ریزی جدیدی برای زندگی‌م پرداختم. بدین ترتیب و طی ۵ سال اخیر به یک نویسنده، شاعر، فیلسوف، سخنران برنامه‌های مالی-انگیزشی، مجری برنامه‌های رادیویی، کارگردان، تهیه‌کننده و عنوان‌های بسیاری دست یافته‌ام. ولی چگونه همه اینها حاصل شد بدون آنکه در لغت، «کار کردن» را برای من تداعی کند؟ به شما می‌گویم! من هر کاری را با لذت بسیار انجام می‌دهم و وقتی اینهمه از گذران زندگی‌ام بدین نحو لذت می‌برم آیا می‌شود آن را «کار» نامید؟

با خواندن تیترو روزنامه‌ها درباره فساد و رسوایی مالی در شرکت‌های کوچک و بزرگ تعجب کرده‌ام که چرا مدیران برای به‌دست آوردن پول بیشتر متوسل به دروغ و نیرنگ شده‌اند. زمانی که پول در آوردن از راهی شرافتمندانه به مراتب آسانتر و بی‌خطرتر است چرا برخی راه به این سختی را طی می‌کنند که به رسوایی هم ختم می‌شود؟

تقریباً ۴۰ سال پیش، زمانی که ۱۹ ساله بودم، کار تجارت را شروع کردم. دستفروشی در شهر منچستر و حومه آن کار مورد علاقه‌ام بود و هر روز برایم یک ماجراجویی به حساب می‌آمد که به‌رغم شرایط بد آب و هوا و سختی‌های پیدا کردن جای مناسب برای دستفروشی، زندگی شاد و با نشاطی داشتم. حتی موقعی که مجبور بودم زیر بارش باران بدون مشتری بایستم همیشه اتفاق خنده‌داری می‌افتاد. تازه اگر هم موضوع جالبی پیش نمی‌آمد عمداً کاری می‌کردم که دیگران بخندند. بعد از چند سال، کسب و کار من رونق گرفت و صاحب یک شرکت بزرگ منسوجات و پارچه شدم و بعد از آن هم تاجر موفق‌تری بودم که نه تنها از طریق پول‌سازی در کار اصلی خودم، بلکه از راه خرید و فروش مستغلات و بازار سهام به درآمد سرشاری دست یافتم و در سن ۴۶ سالگی خود را از دنیای تجارت بازنشسته کردم. پس از ۶ سال تازه متوجه شدم که چگونه بدون تلاش فراوان این

چرا بعضی‌ها فکر می‌کنند که برای شاد بودن حتماً باید یک میلیارد دلار پول داشت؟

چرا حرص و آز و شکم‌پرستی اینقدر مد شده؟

گاهی دیده می‌شود که ما با اطرافیانمان بسیار بد رفتار می‌کنیم. ولی چرا؟ چرا غرایز حیوانی ما انسانها در لفافه تمدن، بسیار وحشیانه و خصمانه است؟ بویژه در دنیای تجارت، که در اصطلاح آن را ظالمانه می‌خوانیم.

در زندگی همیشه دو راه آسان و سخت وجود دارد. به همین دلیل قصد دارم ۵ اصل مهم در تجارت را به شما بگویم که شکست در آن راه ندارد.

هنگام بالا رفتن از نردبان ترقی، همواره کسانی در پله‌های بالاتر هستند که ممکن است بخواهند شما را از آن بالا سرنگون سازند. همینطور عده‌ای هم که هنوز از اولین پله بالا نیامده‌اند تلاش می‌کنند که شما را به زیر بکشند. در دنیای مدرن امروز انسانها همچون گرگهای گرسنه در تلاشند تا به درآمد بیشتر برسند. چگونه می‌توان از پس اینها برآمد؟

پنج اصل مهم موفقیت



اصل شماره یک: لذت

این را بدانید که این دنیا سرنوشته ما را رقم نمی‌زند. ما به اندازه لذتی که از انجام کار می‌بریم موفق می‌شویم یا شکست می‌خوریم. مهمترین عامل، علاقه و تعهد کاری است.

باید در نظر داشته باشیم که کم‌پیش می‌آید که اتفاقات در جهت خواسته ما باشند. ما هرچه بیشتر مهارت‌هایمان را بهبود دهیم، موفقتر خواهیم شد. خود ما هستیم که بخت و اقبالمان را رقم می‌زنیم و شناخت فرصتها، کلید این موفقیت است. تا چیزی را نیاز موده و نتایج به دست آمده را بررسی نکرده‌اید هرگز نه‌نگوید! حتی اگر به هدف خود نرسیدیم، راه را برای پیشرفت در آینده باز می‌گذاریم. اگر فقط به آنچه در لحظه به دست آمده بپردازیم، محکوم به فنا خواهیم بود.



اصل شماره دو: بخشش

یک عامل مهم در کسب موفقیت «دادن» بیش از «گرفتن» است. به عبارت دیگر «بهترین را ببخش» تا «بهترین را به دست آوری». اگر هنوز قادر به پرداخت بهترین نیستید، همچنان به تلاش خود ادامه دهید تا راهی بیابید که بهترین را ببخشید.

از همان دست که می‌دهید از همان دست پس خواهید گرفت! همیشه کسانی هستند که اموال خود را از راههای خلاف به دست آورده‌اند. این افراد ممکن است صاحب زندگی مجللی باشند، ولی ذهن آرامی برای لذت بردن از کارکردشان ندارند. بنابراین از نظر خودشان موفق نیستند. تمام فشار و اضطراب ناشی از تقلب و تخلفشان یک روز به صورت بیماری در آنها نمود پیدا می‌کند. شما می‌توانید دیگران را گول بزنید ولی هرگز نمی‌توانید سیستم ایمنی خود را فریب دهید. بنابراین می‌بینید که کمک به دیگران برای بالا رفتن از پله‌های ترقی، مزایای زیادی دارد.

از شکست بیش از موفقیت لذت ببرید. هر درسی را که می‌گیرید



اصل شماره سه: غلبه بر نامالایمات

با ارزش بدانید، فقط همان اشتباه را دوباره تکرار نکنید. افراد منفی پله‌های ترقی ما را می‌سازند. هرچه بیشتر به ما بگویند که «این کار نباید انجام شود» موفقیت ما در انجام آن کار بیشتر می‌شود. نامالایمات محلی است برای ارزیابی عزم و اراده ما. یاد بگیرید که از روی موانع به زیبایی بپرید. اگر می‌خواهید به پاسخ مسئله‌ای برسید، چند دقیقه قبل از خواب باید آن را تجزیه و تحلیل کرده و هر پرسشی را که لازم است مطرح

کنید. صبح روز بعد هنگام بیدار شدن احتمالاً ایده‌ای برای حل مسئله خواهید داشت. این پرسش را هر شب از خود بپرسید تا به پاسخ برسید. مسلماً اول باید راه رفتن را یاد گرفت بعد دویدن را. نباید زیاد مقروض



اصل شماره چهار: مقروض نباشید

داریم تا به دیگران نشان دهیم که چقدر درخور اعتماد هستیم. صداقت و درستکاری متاع خریدنی نیست. بنابراین هنگامی که صاحب اعتبار شدید، انجام کارها برایتان آسانتر می‌شود.

جامعه‌کنونی به سمت پیشرفته‌تر شدن در حال حرکت است. امروزه نوآوری و مدیریت لازمه تجارت موفق است و موفقیت ابعاد تازه فکری را می‌طلبد. بنابراین تمرین و تکرار این پنج اصل بهره‌وری بیش از پیش ضرورت دارد. همچنین لازم است بیاموزید که چگونه بر نگرانی و اضطراب خود غلبه کنید تا بتوانید آن را از بین ببرید. رسیدن به آرامش و هماهنگی درونی بسیار مهم است زیرا بدین ترتیب خواهید توانست از فشار اضطراب خود بکاهید. اگر به ذهن خود امکان تفکر عمیق و سکوت را بدهیم آنگاه به سطوح بالاتر ارتقا می‌یابد و فرصتهای بیشماری را خواهیم یافت. پتانسیل ما برای موفقیت تنها به آنچه فکر می‌کنیم می‌دانیم محدود می‌شود. این نوع محدودیت، ممکن است فشار زیادی ایجاد کند و باید یاد بگیریم از حوادثی که از کنترل ما خارج هستند فاصله بگیریم.

برای کشف بخشهای خلاق زندگی هیچگاه دیر نیست، حتی هنگامی که از شغل خود بازنشسته می‌شویم؛ نکته مهم این است که به خاطر داشته باشید که از کار اداری بازنشسته شده‌اید، نه از زندگی! از یک بازنشستگی لذت بخش و باثمر، پویا نگه داشتن ذهن است. دوستی ۸۷ ساله دارم که هنوز از کار خرید و فروش املاک لذت می‌برد. یک بار به من گفت که این کار باعث می‌شود که او احساس جوانی و نشاط کند. سرگرمیهای زیادی وجود دارند که می‌توان از آن لذت برد و پول هم به دست آورد. از جمله ورزش منظم عاملی است که ما را سالم نگه می‌دارد، هم از نظر جسمی و هم فکری و روحی. برای ذهن پویا گذر عمر بدان معنی است که زندگی مثل ماشین سواری است.

آیا اکنون آماده پذیرش موفقیت هستید؟

فقط یک نکته دیگر... به این نکته بسیار مهم توجه داشته باشید که ما هرگز مالک چیزی نیستیم، بلکه اساساً زمان و مکان را به امانت می‌گیریم. پس موفقیت ما نباید با مانده حساب بانکی مان اندازه‌گیری شود. ما در دنیای مادی زندگی می‌کنیم و برای کامیابی حقیقی باید ثابت کنیم که این قلم با معیارهای مالی سنجیده نمی‌شود.

منبع

• www.steedirectory.com

باشید. اگر نتوانیم از پس هزینه‌های انجام کاری برآیم، کمی بیشتر تلاش نموده و زمان صرف می‌کنیم تا توان مالی مان افزایش یابد. رهایی از بدهی، خواب آرام را به ارمان می‌آورد. تحت فشار بودن برای پرداخت قبضه‌های مختلف، روش درست زندگی نیست. هدف ما لذت بردن از زندگی است و کار کردن مان باید همراه با عشق و بدون چشمداشت باشد. سه عامل بردباری، پایداری و پشتکار را به خاطر داشته باشید. اگر خود



اصل شماره پنج: لذت از پایداری

حقیقی مان را باور داشته باشیم هرگز شکست نمی‌خوریم. تا زمانی که از فعالیت تجاری خود به اندازه‌ای که از اوقات فراغتمان لذت می‌بریم، خرسند باشیم موفقیتمان تضمین شده است. چه بهتر که زمان رسیدن به هدف، چند سال بیش از آنچه فکر می‌کردیم طول بکشد، چون بدین ترتیب می‌توانیم تجربه‌های بسیاری کسب کنیم. به علاوه زمان بیشتری